

بررسی فقهی - حقوقی مبنا و ماهیت حریم

عبدالله امیدی فرد*

رؤیا صارمی جویباری**

چکیده

حریم در مقررات موجود کارکرد ویژه‌ای دارد. مقررات مختلفی ذیل موضوع حریم وجود دارد که هریک از آنها به مقتضای موضوع خود، حریم را متناسب با آن به کار برده است. از آنجایی که قانونگذار در قوانین مختلف از رویه یکسانی پیروی ننموده، ماهیت و مبنای حقوقی حریم مبهم باقی مانده است.

در مواد ۱۳۷ و ۱۳۸ قانون مدنی، به پیروی از نظر مشهور فقیهان، بر اندازه برخی از حریم‌ها تأکید شده است؛ حال آنکه در دیگر مقررات گاهی نظریه مشهور پذیرفته شده و در برخی موارد به حکم ضرورت از آن تخطی شده است. افزون بر این، ماده ۱۳۶ همان قانون، مبنای حریم را کمال انتفاع و در ماده ۱۳۹ جلوگیری از ضرر دانسته است. از این رو، وجه منطقی جمع دو ماده ذکر شده با تردید روبه‌روست. از آنجایی که در صورت وجود ابهام در مقررات قانونی، قاضی موظف است با مراجعه به منابع معتبر فقهی حکم مسئله را استنباط نماید، می‌توان گفت: براساس ضوابط و اصول فقهی، مبنای کمال انتفاع با در نظر گرفتن ملک ذوالحریم و بدون ملاحظه املاک یا مالکان یا حریم دیگران است. با وجود این، مبنای جلوگیری از ضرر در صورتی مطرح می‌گردد که پای حق دیگری به میان آید. در صورت تعارض میان کمال انتفاع و ضرر، قاعده لاضرر مقدم می‌گردد.

کلیدواژه‌گان: حریم، حق، حق حریم، ملک، حق انتفاع.

omidifard.f@gmail.com

saremi.juybari@gmail.com

* دانشیار دانشگاه قم

** دانشجوی دکتری فقه و مبنای حقوق اسلامی دانشگاه قم (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۰۱

تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۱۲/۱۲

حریم در مقررات موجود کارکرد ویژه‌ای دارد. مقررات مختلفی ذیل موضوع حریم وجود دارد که هریک از آنها به مقتضای موضوع خود، حریم را متناسب با آن به کار برده است. از آنجایی که قانونگذار در قوانین مختلف از رویه یکسانی پیروی ننموده، ماهیت و مبنای حقوقی حریم مبهم باقی مانده است. در این مقاله، تلاش می‌کنیم با بررسی فقهی حقوقی حریم، این ابهام را برطرف کنیم.

۱. مفهوم و ماهیت حریم

در این بخش، پس از بررسی مفهوم حریم و مفاهیم مرتبط، به دیدگاه‌های گوناگون درباره ماهیت حریم اشاره می‌گردد.

۱-۱. مفهوم حریم و تمایز آن از مفاهیم مرتبط

۱-۱-۱. مفهوم حریم

حریم بر وزن فعلیل، برگرفته از حرمت به معنای منع است. این واژه گاهی به صورت مصدر، به معنای «محروم کردن» و گاه به شکل اسم مصدر به معنای «تحریم شده» استعمال می‌شود (جوهری، ۱۹۷۴م: ج ۵، ص ۱۸۹۵). وجه تسمیه حریم آن است که منع صاحبش از تصرف در آن یا تصرف دیگران بدون اجازه مالکش ممنوع است (ابن منظور، ۱۳۶۳: ج ۱۲، ص ۱۲۵). به محل‌های اطراف چاه و غیر آن نیز از این جهت حریم گفته می‌شود که کسی نمی‌تواند در آن مکان سکونت گزیده یا درباره آن ادعایی نماید (طریحی، ۱۳۶۷: ج ۶، ص ۳۹).

همچنین گفته شده است حریم در لغت به هر چیزی گویند که مستلزم حمایت باشد و به همین جهت به زنان و مسکن حریم اطلاق می‌گردد (ابن منظور، همان).

فقیهان نیز، با توجه به معنای لغوی حریم، آن را به صورت‌های مختلفی تعریف نموده‌اند: مثلاً حریم به مکان‌های نزدیک هرچیز گفته می‌شود که بهره بردن کامل

مردم از آن مورد نیاز باشد، مانند آبراه، سیل آب و محل ریختن خاک روبه (علامه حلی، ۱۴۱۶ق: ج ۱۲، ص ۴۱۰؛ صاحب جواهر، ۱۳۶۵: ج ۳۸، ص ۳۴).

افزون بر این، حریم به مکانی نزدیک به ملک آباد شده‌ای گفته می‌شود که انتفاع از آن ملک متوقف بر آن مکان بوده و ظاهراً در استیلا و تصرف شخص دیگر نیست (فخرالمحققین، ۱۳۸۹ق: ج ۳، ص ۱۵۰).

در ماده ۱۳۶ قانون مدنی نیز آمده است: «حریم مقداری از اراضی اطراف ملک و قنات و نهر و امثال آن است که برای کمال انتفاع از آن ضرورت دارد». در بند ۱۲ ماده ۱ آئین‌نامه اجرایی قانون اصلاح لایحه واگذاری و احیای اراضی در حکومت جمهوری اسلامی آمده است: «حریم اراضی عبارت است از مقدار زمینی که در اطراف و جوانب اراضی احیاشده (تأسیسات مادی و غیره) مورد نیاز عادی استفاده از اراضی احیاء شده باشد و مقدار آن به تناسب عنوان ذوی‌الحریم متفاوت است».

از مجموع مطالب ذکر شده به دست می‌آید که مفهوم مشترک حریم در لغت، «منع» است. بر این اساس، مفاهیمی اصطلاحی شکل گرفته است؛ یعنی مکانی که از احترام برخوردار بوده، و دفاع و حمایت از آن ضروری است.

۱-۱-۲. وجه تمایز حریم از مفاهیم مرتبط

۱-۱-۲-۱. حریم و حق ارتفاق

به موجب ماده ۹۳ قانون مدنی، «ارتفاق حقی است برای شخص در ملک دیگر». در عبارات بسیاری از فقیهان، حریم یکی از مصادیق حق ارتفاق محسوب گردیده است (محمدباقر سبزواری، ۱۴۲۳ق: ج ۲، ص ۵۳۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۴ق: ج ۷، ص ۱۵۶). به تبع آن، برخی از حقوقدانان نیز حق حریم را نوعی حق ارتفاق دانسته‌اند (امامی، ۱۳۵۷: ج ۱، ص ۱۲۲). برخی دیگر هم میان حریم و حق ارتفاق قائل به تباین شده‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۴۴۹). با وجود این، به طور کلی، عمده‌ترین فرق‌های میان حریم

و حق ارتفاق را می‌توان چنین بیان کرد:

الف. منشأ پیدایش حریم حکم قانونی یا احیای موات است و حال اینکه سبب پیدایش حق ارتفاق غالباً ارادی و براساس عقد یا اذن مالک است؛

ب. حریم از ملک قابلیت انفکاک دارد ولی حق ارتفاق از ملک تفکیک‌پذیر نیست؛

ج. حریم غالباً در زمین‌های موات واقع می‌گردد و حال اینکه حق ارتفاق غالباً در املاک دیگران قرار دارد (امامی، همان؛ جعفری لنگرودی، همان)؛

۱-۲-۲. حریم و حق انتفاع

حق انتفاع حقی است که به‌موجب آن، شخص می‌تواند از مالی که عین آن ملک دیگری است یا مالک خاصی ندارد، استفاده کند.

مهم‌ترین فرق‌های حریم و حق انتفاع چنین است:

الف. حریم با احیای موات یا به‌حکم قانون ایجاد می‌گردد و حال اینکه حق انتفاع به‌موجب عقدی از عقود (عمری، رقبی، سکنی، وقف) به‌وجود می‌آید؛

ب. مورد حریم مال غیرمنقول است ولی مورد حق انتفاع اعم از منقول و غیرمنقول است؛

ج. حریم در زمین‌های موات و محلی که مالک خاص ندارد ایجاد می‌شود، ولی حق انتفاع در مال متعلق به دیگران پدید می‌آید (امامی، ۱۳۵۷: ج ۱، ص ۱۲۴).

۱-۲. ماهیت حریم

در خصوص ماهیت حریم و چگونگی سلطه مالک بر حریم با توجه به دیدگاه‌های فقیهان می‌توان سه نتیجه گرفت: مشهور فقیهان از آن تعبیر به ملک کرده‌اند؛ غیرمشهور نیز آن را حق اولویت دانسته‌اند؛ برخی نیز اباحه در انتفاع را پذیرفته‌اند. در ادامه، این دیدگاه‌ها به‌اختصار بررسی می‌گردد.

مشهور فقیهان، به استناد برخی روایات، از جمله صحیحۀ محمد بن عبداللّه، حریم را ملک صاحب آن می‌دانند:

محمد بن ابی نصر عن محمد بن عبداللّه قال: «سئلت الرضا علیه السلام عن الرجل تكون له الضیعة و تكون لها حدود تبلغ عشرين ميلاً أو أقل يأتيه الرجل فيقول: أعطني من مراعي ضيعتك و أعطيتك كذا و كذا درهما فقال: اذا كانت الضيعة له فلا بأس» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۷، ص ۳۳۶):
 محمد بن عبداللّه می‌گوید: «از امام رضا علیه السلام پرسیدم: شخصی ملکی دارد که حدود آن بیست میل یا قدری کمتر است. شخص دیگری به صاحب ملک می‌گوید: مقداری از چراگاه زمین را در مقابل این چند درهم به من واگذار کن. امام علیه السلام فرمودند: اگر ملک برای او باشد اشکالی ندارد».

از آنجایی که در روایت ذکرشده، معامله معوض حریم پذیرفته شده است، معلوم می‌گردد که حریم در ایجاد، حالت تبعی دارد، ولی پس از ایجاد وصف ملک پیدا می‌کند. با توجه به صحیحۀ بودن روایت، بحث سندی در آن مطرح نیست، ولی در دلالت حدیث بر ملک تردید شده است. صاحب جواهر پس از نقل روایت می‌نویسد: «دلالت حدیث وقتی تمام است که مراد از اعطاء، بیع و امثال آن باشد» (۱۳۶۵: ج ۳۸، ص ۳۴). همچنین، گفته شده است صحیحۀ محمد بن عبداللّه بر وجود اصل حدود دلالت دارد، نه نحوه تعیین آن. پس امکان دارد حدود آن با تحجیر و مانند آن به وجود آمده باشد؛ چنان که اگر چند قطعه زمین وجود داشته که به نوبت در آنها کشت گردد، هر بار که در آن زمین کشت نشود، مرتع و چراگاه خواهد شد (خوانساری، ۱۳۶۴: ج ۵، ص ۲۳۲).

با وجود این، بسیاری از فقیهان مفاد روایت ذکرشده و دیگر روایات ناظر به این موضوع را بر ملکیت حریم پذیرفته و چنین گفته‌اند:

«إذا أحيى الإنسان الأرض على ما ذكرناه و ملكها فإنه يملك مرافقها
التي لا يصلح الأرض الأ بها» (شیخ طوسی، ۱۳۷۶: ج ۳، ص ۲۷۲؛ ابن براج،
۱۴۰۶ق: ج ۲، ص ۳۰): وقتی که انسان زمینی را احیا کند و به تملک خود
درآورد، به میزانی که استفاده از زمین بدون آن ممکن نیست، مالک
حریم آن خواهد شد.

در جای دیگر نیز آمده است: این نکته اختلافی است که آیا مالک ملک آباد،
مالک حریم آن هم هست یا نسبت به دیگران فقط از حق اولویت در استفاده برخوردار
است و حریم حقیقتاً ملک او نیست؟ مشهور فقهیان او را مالک حریم می‌دانند،
همان‌طور که مالک ملک خود است؛ زیرا حریم مکانی است که شخص به‌موجب احیا
در آن حق پیدا نموده و همانند ملک احیاشده ملک احیاکننده است. دلیل این حکم
آن است که حریم در بیع اصل ملک داخل بوده و معنای ملک در آن وجود دارد و از
این رو، شخص دیگری حق احیای آن را نداشته و بدون اذن احیاکننده حق تصرف در
حریم را ندارد؛ افزون بر این، حق شفعه نیز در راه مشترک جریان دارد که این خود
دلیل بر ملکیت است (شهید ثانی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۲، ص ۴۰۷). صاحب جواهر نیز این نظریه را
تأیید و تقویت کرده است (صاحب جواهر، ۱۳۶۵: ج ۳۸، ص ۳۵).

برخی از فقیهان به نظریه ملکیت حریم انتقاد کرده‌اند. این امر موجب گردیده برخی
میان ملکیت در حریم و ملک اصلی تفاوت گذاشته و چنین اعلام کنند:

«ملکیت در حریم همانند سایر ملکیت‌ها نیست؛ زیرا بسیاری از لوازم
ملکیت در آن وجود ندارد و از این رو، گاهی به‌وجود آمده و گاهی ازبین
می‌رود.» (حسینی عاملی، ۱۴۱۸ق: ج ۷، ص ۱۵)

همین نظریه نیز در قانون مدنی پذیرفته شده است. در ماده ۱۳۹ این قانون آمده
است:

«حریم در حکم ملک صاحب حریم است و تملک و تصرف در آن، که

منافی باشد با آنچه مقصود از حریم است، بدون اذن از طرف مالک صحیح نیست».

سیوطی، از عالمان بزرگ شافعی، می‌نویسد: «الحریم له حکم ماهو حریم له»: حریم دارای همان حکمی است که متعلق و صاحب آن (یعنی ملک اصلی) داراست (سیوطی، ۱۳۱۳: ج ۱، ص ۲۸۶). ابن قدامه نیز در المغنی می‌گوید:

«احیا آن است که زمینی برای انتفاع فراهم شود و احیاکننده، مالکِ قرار نهر و اطراف آن می‌گردد. فضا حقی است برای او و همچنین، حریم آن که از دو طرف به آنجا خاک می‌ریزند. ولی قاضی (ابویوسف) حریم نهر را ملکِ مالکِ نهر نمی‌داند. شافعی نیز چنین می‌گوید. اما بنابر ظاهر گفته خرقی، حریم در حکم ملک صاحب نهر است؛ به دلیل روایت نبوی ﷺ که فرموده‌اند: اگر کسی زمین بی‌مالک را احیا کند، آن زمین در ملکیت او قرار می‌گیرد» (ابن قدامه، ۱۴۰۴ق: ج ۶، ص ۱۷۱).

ماده ۱۲۸۶ تحریرالمجله نیز حریم چاه‌ها را ملک صاحبان آن می‌داند (آل

کاشف‌الغطاء، ۱۹۸۹م: ج ۲، ص ۳۵۴)

۱-۲-۲. حق اولویت

در مقابل نظریه ملکیت حریم، برخی از فقیهان برای صاحب ملک فقط اولویت در انتفاع حریم را پذیرفته و در ردّ نظریه ملک گفته‌اند: «حریم احیا نشده است تا موجب ملکیت گردد و از طرفی، پس از احیای اصل ملک اگر در مالکیت حریم شک کنیم، اصل عدم ملکیت است» (حسینی شیرازی، ۱۴۱۰ق: ج ۸۰، ص ۷۷). برخی از استفتائات موجود نیز این نظر را تأیید می‌کند: مثلاً در جواب استفتایی چنین آمده است: «... در هر صورت، حریم و مرتع ملک نیست و فقط متعلق حق است که دیگران نمی‌توانند با صاحب حق مزاحمت کنند» (تبریزی، بی‌تا: ص ۲۷۵).

در مقابل، گفته شده است هرچند در حریم، احیای مستقل صورت نگرفته است،

در احیا ضرورتی به آباد کردن جزء جزء مال نیست. احیای هر چیزی به حسب حال خود آن مال است (صاحب جواهر، ۱۳۶۵: ج ۳۸، ص ۳۵). از این رو، بنا بر قول اقوی، هر کس بنایی در زمین موات بسازد، افزون بر مالکیت بنا، مالک عرصه آن نیز می‌گردد؛ با اینکه عملیات احیا در عرصه صورت نگرفته است. پس احیا یا موجب آباد کردن زمین است یا اینکه زمینی را تابع ملک آباد قرار می‌دهد (شهید ثانی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۲، ص ۴۰۷).

۱-۲-۳. اباحه در انتفاع

با توجه به اشکالات بنیادین دو نظریه پیشین، می‌توان گفت حریم نه ملک است و نه حق؛ بلکه اباحه‌ای است که صاحبان آن به دلیل دفع ضرر از خود از آن بهره گرفته و دیگران بدون اذن او می‌توانند تصرف سازگار و بی‌ضرر در آن بنمایند. جایز نبودن تصرف ناسازگار هم به لحاظ ماهیت حریم نیست، بلکه برای در نظر گرفتن ضرری است که به ملک وارد می‌شود؛ وگرنه چیزی که ملک نیست و متعلق حق دیگری است، تصرف‌شدنی و احیاپذیر خواهد بود.

در باره تحقق نیافتن ملک و حق بر حریم می‌توان گفت: ملک و حق در زمین موات فقط به موجب احیا به وجود می‌آید. از این رو، احیا فقط سبب تملک و اختصاص است و هر تصرف مزاحم با مالک نیز ممنوع است. از طرفی اگر حق بودن حریم ثابت گردد، در این حالت نیز دیگران بدون اذن صاحب حق نمی‌توانند در آن تصرف نمایند؛ حال اینکه این نتیجه منافی آن چیزی است که صاحب جواهر درباره تصرف حریم قریه بدون اذن اهالی آن ذکر نموده است. او نوشته است: اهالی روستا در استفاده از حریم آن به گرفتن اذن نیازی ندارند. قوی‌ترین دلیل برای اثبات حریم سیره عقلا، نفی ضرر مالک و کمال انتفاع از ملک است که هیچ‌کدام دلالت بر ملکیت یا حق بر حریم نمی‌کنند. اگر حقی به وجود آید، به اعتبار ملک است و اگر دیگران از حریم منع می‌گردند، حریم اصالت ندارد تا به صورت مستقل اعتبار گردد؛ بلکه امور ذکر شده صرفاً به موجب اصل ملک جعل گردیده‌اند (فیاض، ۱۴۰۱ق: ص ۱۵۱).

۲. مبانی حریم

۱-۲. مبانی حریم در فقه

دو مبانی متفاوت دربارهٔ حریم در فقه و به تبع آن در متون حقوقی ملاحظه می‌گردد: مشهور فقیهان مبانی حریم را کمال انتفاع صاحب ملک دانسته‌اند؛ در مقابل، جمعی دیگر آن را بر مبنای قاعدهٔ لاضرر توجیه کرده‌اند. در ادامه، به این دو مبنا اشاره می‌گردد.

۱-۱-۲. کمال انتفاع

نظر مشهور فقیهان این است که حریم برای کمال انتفاع مالک زمین ایجاد شده است. از این رو، علت تشریح حریم آن است که احیاکننده بتواند با استفاده از حریم و برخورداری از حق حریم، بیشترین انتفاع و استفاده را از ملک احیاشده ببرد (علامه حلی، ۱۳۷۷ق: ج ۲، ص ۳۰۰؛ طباطبائی، ۱۴۱۲ق: ج ۱۰، ص ۴۲۰؛ عبده بروجردی، بی‌تا: ص ۱۸). به عبارت دیگر، فلسفهٔ تشریح حریم (که در واقع، هم باعث توسعه و هم سبب تحدید حق مالکیت می‌گردد) این است که اثر مالکیت فردی، یعنی همان کمال انتفاع، بدین وسیله حاصل آید. در مادهٔ ۱۳۶ قانون مدنی نیز همین مبنا پذیرفته شده است. در این ماده آمده است: «حریم مقداری از اراضی اطراف ملک و قنات و نهر و امثال آن است که برای کمال انتفاع از آن ضرورت دارد». صاحب جواهر (۱۳۶۵: ج ۳۸، ص ۳۴) و جمع دیگری از فقیهان نیز به این مطلب تصریح کرده‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ص ۲۵۵؛ همان: ج ۱۲، ص ۴۰؛ حسینی عاملی، ۱۴۱۸ق: ج ۱۴، ص ۴۹۹).

برخی حریم را دو نوع دانسته و چنین گفته‌اند: برای چاه و قنات دو نوع حریم وجود دارد: ۱. حریم قریب: مقدار زمینی از محیط حلقهٔ چاه به شعاع تقریبی یک متر از مرکز دایرهٔ انتهایی آن است که برای نصب چرخ تلمبه به‌منظور کشیدن آب یا تصفیهٔ چاه معین گردیده است. ممکن است عرفاً حریم مذکور از این مقدار هم تجاوز کند؛ مثلاً برای کشیدن آب با دلو و چهارپا مقدار زیادتری لازم باشد و از این رو، مقدار حریم

به نیاز صاحب چاه بستگی دارد. ۲. حریم بعید: مقدار زمینی در اطراف چاه یا مسیر قنات است که به منظور حفظ آب چاه از تلف شدن و ضایع شدن معین گردیده است. این مقدار حریم در تصرف صاحب ملک قرار ندارد؛ بلکه برای منع از متصرف صاحب ملک مجاور وضع گردیده است. از این رو، مقدار این حریم تا جایی توسعه پذیر است که برای کمال انتفاع و دفع ضرر ضروری باشد (سیستانی، ۱۴۱۴ق: ص ۲۸۵؛ سیدعبدالأعلی سبزواری، ۱۴۱۴ق: ج ۲۳، ص ۲۳۷؛ امامی، ۱۳۵۷: ج ۱، ص ۱۲۲؛ کاتبی، بی تا: ص ۹۳).

تقسیم بندی حریم به قریب و بعید اختصاص به قنات و چاه ندارد. در انواع دیگر حریم نیز به این مسئله توجه می شود؛ زیرا این مسئله با توجه به اعتبار نوع تصرفات قابل طرح است و می توان گفت در هر حریم مطلق تصرفات دیگران به حریم قریب ممنوع است، ولی در حریم بعید فقط تصرفات آسیب رسان منع شده است.

۲-۱-۲. جلوگیری از ضرر

ابن جنید اسکافی نخستین فقیهی است که، با استناد به روایاتی، مبنای حریم را دفع ضرر از ملک احیاشده دانسته است. او می گوید: «مقررات مربوط به حریم بدان جهت تشریح گردیده که مالک در تصرفات خویش با حرج و ضرر روبه رو نگردد» (علامه حلی، ۱۳۹۸ق: ج ۲، ص ۳۶۹). برخی از فقیهان صریحاً مبنای ابن جنید را پذیرفته و برخی دیگر با وجود اعلام قوت این دیدگاه، با مشهور هماهنگ شده اند. فقیهانی چون علامه حلی (۱۳۷۲: ج ۱۲، ص ۴۱۱)، شهید ثانی (۱۴۱۴ق: ج ۲، ص ۲۹۸)، سبزواری (محمدباقر سبزواری، ۱۴۲۳ق: ص ۵۳۲) و صاحب مفتاح الکرامه (حسینی عاملی، ۱۴۱۸ق: ج ۷، ص ۲۲) از پیروان این نظریه اند.

مهم ترین مستندات این نظریه عبارت اند از:

الف.

عن محمد بن الحسن (الحسین) قال کتبت الی ابي محمد علیه السلام رجل کانت له قنات فی قرية فأراد رجل أن یحفر قناتة أخرى إلی قرية له کم

يكون بينهما في البعد حتى لا يضرَّ إحداهما بالأخرى في الأرض إذا كانت صلبة أو رخوة؟ فوق عليه السلام على حسب أن لا تضرَّ إحداهما بالأخرى إن شاء الله» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۷، ص ۳۴۲): راوی می‌گوید: «به امام حسن عسکری علیه السلام نوشتم: شخصی در روستایی قناتی دارد و دیگری می‌خواهد قنات دومی حفر کند. در صورتی که زمین سخت یا سست باشد باید چه فاصله‌ای میان آن دو قنات رعایت شود تا به دیگری ضرر نرساند؟ امام علیه السلام در جواب فرمودند: در اینجا باید فاصله به مقداری رعایت شود تا موجب ضرر به دیگری نگردد.»

ب.

عن عقبه بن خالد عن أبي عبد الله عليه السلام في رجل أتى جبلاً فشق فيه قنات فذهبت الأخرى بماء قناة الأول قال: فقال: يتقاسمان [يتقاسمان] بحقائب البئر ليلة ليلة فينظر أيتهما أضرت بصاحبها، فإن رأيت الأخيرة أضرت بالأول فلتعور (همان: ص ۳۴۴، ح ۱): راوی از امام صادق علیه السلام راجع به شخصی سؤال می‌کند که در کوهی قناتی حفر می‌کند و سپس شخص دیگری در کنار آن، قناتی دیگر احداث کند که قنات دوم آب قنات نخست را جذب می‌کند. امام علیه السلام در جواب می‌فرمایند: «به نوبت، هر شب یک قنات را مسدود کنند تا ملاحظه شود کدام یک آب قنات دیگر را جذب می‌کند. اگر قنات دوم آب اولی را جذب کند، باید قنات دوم را مسدود کرد.»

باوجود این، از آنجایی که در برخی از روایات مقدار حریم چاه و قنات مشخص شده است، برخی از فقیهان با ملاحظه روایات ذکر شده بر این عقیده‌اند که مقدارهای یادشده موضوعیت نداشته و چه بسا ممکن است با توجه به ضرر، آن مقدار توسعه یا تضییق گردد. البته، نظر مشهور خلاف این است: فاصله‌های تعیین شده برای حریم



چاه و قنات در روایات را دارای ویژگی موضوعی دانسته، به ایراد ضرر توجهی ننموده و رعایت آن فاصله‌ها را لازم می‌دانند؛ هرچند در فاصله کمتر از آن به چاه مجاور ضرری وارد نیاید.

ابن جنید به غالبی بودن اندازه‌های تعیین شده در روایات عقیده داشته است. بر این اساس، هرگاه کسی چاهی را در کنار چاه دیگر حفر کند که موجب ضرر چاه سابق باشد، صاحب چاه متضرر، حق ممانعت از صاحب چاه دوم را داراست؛ هرچند در فاصله بیش از پانصد ذراع در زمین سخت و هزار ذراع در زمین سست باشد. اگر هم موجب ضرر به چاه سابق نباشد، صاحب چاه نخست نمی‌تواند از این کار جلوگیری کند؛ هرچند فاصله‌اش کمتر از مقدارهای ذکر شده باشد (فاضل مقداد، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ص ۱۰۰).

صاحب جواهر و صاحب مدارک نیز بر قوت نظر ابن جنید تصریح کرده‌اند (صاحب جواهر، ۱۳۶۵: ج ۳۸، ص ۴۵؛ خوانساری، ۱۳۶۴: ج ۵، ص ۲۳۹).

علامه پس از نقل روایات مستند مشهور می‌نویسد: ابن جنید بر آن است که اندازه‌های تعیین شده غالباً ضرر را از دو چشمه مرتفع می‌سازد؛ ولی هرگاه معلوم گردد حفر چشمه جدید بر آب چشمه سابق ضرر زده است، دومی مجاز به حفر چشمه نیست. اگر هم پس از احداث چشمه، ضرر آشکار شود و صاحب حریم نخست منع آن را مطالبه کند، بیشتر روایاتی که در آن به «لاضرر و لااضرار» استناد شده، مانع استقرار حق دومی، به لحاظ تحقق ضرر، می‌گردد و موجب جلوگیری از ضرر او می‌شود. بنابراین، ملاکی که ابن جنید ذکر نموده، یعنی ضرر، بسیار مناسب است (علامه حلی، ۱۴۱۲ق: ج ۶، ص ۱۷۱).

افزون بر این، روایات مورد استناد مشهور، علاوه بر ضعف سند، بیانگر اندازه‌های متفاوت میان حریم چاه و چشمه هستند؛ حال اینکه مقتضی آن است که فرقی میان چاه و چشمه نباشد. از این رو، همان‌گونه که احداث چشمه در مقدار مقرر شده جایز نیست، احداث چاه هم باید از همان مقدار جایز نباشد نه به آن صورت که مطلق تصرف

در حریم چاه جایز نباشد. ابن جنید به دلیل ضعف مستند مشهور، ملاک در مقدار را فاصله‌ای می‌داند که موجب ضرر نگردد. براساس جمع میان روایات و نفی ضرر و روایات دال بر جواز احیای نامحدود، باید گفت نظر ابن جنید ظهورش بر مدعی بیشتر است (شهید ثانی، ۴۱۴ق: ج ۱۴، ص ۴۱۴؛ محمدباقر سبزواری، ۴۲۳ق: ج ۲، ص ۲۴۹).

شهید صدر نیز می‌نویسد: «المیزان فی حریم البئر والنهر و نحوهما عدم الإضرار الناشی من ناحية القرب المکانی» (صدر، ۱۹۹۰م: ج ۲، ص ۱۸، پاورقی ۲).

معیار در حریم چاه، نهر و مانند آن این است که به دلیل نزدیک بودن فاصله‌های مکانی موجب اضرار نگردد. افزون بر این، ممکن است تعیین اندازه‌های تعیین شده در اخبار مربوط به مواردی باشد که ورود ضرر محرز نیست (صاحب جواهر، ۱۳۶۵: ج ۳۸، ص ۴۶).

با وجود اینکه استدلال ابن جنید، مستند به روایات صحیحه، از وجاهت منطقی بالایی برخوردار است، مهم‌ترین دلیل بر استقبال نشدن از نظریه او مخالفت با مشهور بیان شده است. در مقابل، هرچند مستند مشهور روایات ضعیف‌السند است، گفته شده که ضعف سندی روایات نیز به واسطه شهرت جبران می‌گردد.

به نظر برخی فقیهان، بهتر آن است که بگوییم: تمسک مشهور به یک دسته از روایات، بیانگر تخییری بودن مفاد روایات است نه چشم‌پوشی از روایات مورد استناد ابن جنید. از این رو، انتخاب و عمل مطابق با یک دسته از روایات درباره میزان حریم دلیل بر بی‌اعتبار دانستن روایات دیگر تلقی نمی‌گردد (خوانساری، ۱۳۶۴: ج ۵، ص ۲۳۹).

هرچند توجیه ذکر شده از وجاهت خوبی برخوردار است، به گفته برخی نویسندگان، با نظر مشهور سازگاری ندارد؛ زیرا هیچ‌یک از طرفداران نظریه مشهور چنین ادعایی نداشته‌اند. آنها به صراحت از نظریه ابن جنید انتقاد کرده‌اند (غفاری، ۱۳۸۷: ص ۱۰۷).

با چشم‌پوشی از مطالب ذکر شده، شاید بتوان گفت: هر یک از اندازه‌های تعیین شده در روایات با اندازه‌های مورد نظر عرف مردّد است. به همین جهت، برخی از فقیهان

اقدام به تعیین میزان نموده و آن را مقید به وارد نشدن ضرر نموده‌اند. پس حریم هریک از موارد، مانند چشمه و چاه، مقدار زمین اطراف آن است که بنابر نظر عرف به آن مقدار نیاز باشد و در کمتر از آن فاصله ضرر و زیان حادث گردد. دربارهٔ اندازه‌های مقرر شده تعبد شرعی وجود ندارد؛ بلکه احادیث وارد شده ناظر به عرف زمان صدور روایت هستند. بنابر نظر صحیح‌تر، تشخیص ضرر به اشخاص خبره و اهل فن صالح سپرده می‌شود تا براساس مصلحت عمومی و شخصی افراد عمل کنند. آن افراد نیز به تناسب زمان‌ها، شهرها، مکان‌ها و حالت‌های گوناگون ممکن است نظرات متفاوت بدهند (آل کاشف‌الغطاء، ۱۹۸۹م: ج ۱۲، ص ۲۵۶).

بر همین اساس، امروزه هرگاه بخواهند شهری احداث کنند، اندازهٔ راه و مسائل مرتبط دیگر را به مهندسان واگذار می‌نمایند تا آنان براساس مصلحت عمل نمایند. بی‌گمان، شرع نیز خیر و مصلحت عمومی را می‌پذیرد. روایات فقط حدود و شروط و ملزوماتی را مشخص می‌کند که در آن زمان بوده است؛ زمانی که ماشین‌ها و نیروگاه‌ها و فرودگاه‌ها وجود نداشته است، اما امروز آن اندازه‌ها موضوعیت ندارند. بنابر گفتهٔ برخی فقیهان، بی‌گمان، اگر امام علیه السلام در زمان ما حاضر بودند و می‌خواستند روستا یا شهری بنا کنند، حتماً کار مرافق و حدود آن را به‌طور کامل به شخص کاردان و اهل تخصص می‌سپردند (مغنیه، ۱۳۷۰: ج ۵، ص ۶۰).

۲-۲. مبانی حریم در حقوق

حریم در مقررات گوناگون با توجه به موضوعات خاص، و متناسب با آن موضوعات، با رویه‌های متفاوتی آمده است. در مادهٔ ۱۳۶ قانون مدنی آمده است:

«حریم مقداری از اطراف ملک و قنات و نهر و امثال آن است که برای کمال انتفاع ضرورت دارد».

همچنین، مادهٔ ۱۳۹ همان قانون مقرر می‌کند:

«حریم در حکم ملک صاحب حریم است و تملک و تصرف در آن، که منافی باشد با آنچه مقصود از حریم است، بدون اذن از طرف مالک صحیح نیست و بنابراین کسی نمی‌تواند در حریم چشمه و یا قنات دیگری چاه یا قنات بکند؛ ولی تصرفاتی که موجب تضرر نشود جایز است.»

بر این اساس، ماده ۱۳۶ مبنای حدود حریم را کمال انتفاع و ماده ۱۳۹ عدم ضرر دانسته است. از آنجایی که برخی از فقیهان جلوگیری از کمال انتفاع را ضرر محسوب نکرده و در آن تردید نموده‌اند، برخی از حقوقدانان (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶: ص ۳۳۷) بر این عقیده هستند که از نظر فقهی، جمع میان دو ماده ذکر شده وجه منطقی ندارد. از جهت تعیین ملک حریم نیز قانون دارای ابهام است و برای رفع آن باید گفت: نقص در انتفاع ضرر محسوب می‌شود و در نهایت، ملاک تعیین حریم همان جلوگیری از ضرر است.

برخی دیگر (امامی، ۱۳۵۷: ج ۱، ص ۱۲۲) ملاک تعیین حریم را کمال انتفاع در ملک دانسته و ضرر را ضرر فرضی عنوان نموده و معتقدند: مقصود از ضرر فرضی آن است که در فرض تجاوز به حریم به صاحب آن زیان وارد می‌آید.

آنچه محل تأمل به نظر می‌رسد، این است: با توجه به اینکه برخی از فقیهان درباره چاه و قنات و چشمه به دو حریم عقیده دارند، آیا ممکن است برای رفع ابهام میان دو ماده ۱۳۶ و ۱۳۹، ماده ۱۳۹ را حمل بر حریم دوم نماییم؟

برخی گفته‌اند ظاهراً م ۱۳۸ می‌تواند مؤید جمع ذکر شده باشد، زیرا این ماده تعیین اندازه‌ها را در سه مورد خاص برای جلوگیری از ضرر دانسته است؛ از این رو، حریم مذکور در ماده ۱۳۶ ملک تبعی محسوب می‌شود و حدود آن محدود به کمال انتفاع است؛ یعنی حریمی که برای بارانداز، گذاشتن چرخ آب و وسایل لازم برای موارد دیگر استفاده از حریم ضروری است. با وجود این، حریم پیش‌بینی شده در ماده ۱۳۹ مربوط

به حریم دوم، مثل چاه، چشمه و قنات است که در حکم ملک بوده و افراد دیگر با رعایت ماده ذکر شده حق تصرف در آن را دارند (غفاری، ۱۳۸۷: ص ۱۱۹). بر این اساس، فاصله‌های ذکر شده در ماده ۱۳۸ برای حریم اماره قانونی ایجاد ضرر است؛ پس خلاف آن اثبات‌شدنی است و نباید آن را قاطع پنداشت (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ص ۲۳۹).

از این رو، برخی از حقوقدانان گفته‌اند دادگاه می‌تواند از نظر کارشناس تبعیت کند، زیرا در امارات، اصل بر نسبی بودن است و اماره بر مطلق بودن بسیار اندک و نادر می‌نماید. افزون بر این، با توجه به پیشینه تاریخی مواد درباره حریم، همه مواد یاد شده بر اساس قاعده لاضرر پی‌ریزی شده است. وقتی که ضرری متوجه ادعاکننده دعوی یاد شده نباشد، جلوگیری از حفر قنات و امور کشاورزی و آبیاری به صرف جمود بر الفاظ قانون دلیلی نخواهد داشت (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ج ۳، ص ۹۰).

با این حال، شعبه نخست دیوان عالی کشور در حکم شماره ۲۹۰۳ مورخ ۱۳۲۱/۹/۱۳ ادعای خلاف را مسموع ندانسته و اندازه‌های تعیین شده در مواد یاد شده را اماره قاطع و مطلق فرض کرده است (متین دفتری، ۱۳۶۴: ص ۲۹۵). همچنین، مطابق تبصره ماده ۳۸ قانون آب و نحوه ملی شدن آن، وزارت نیرو تشخیص حریم چاه، قنات و مجرا را برعهده دارد. بر این اساس، برخی از حقوقدانان بر این عقیده‌اند که این تبصره ناسخ ماده ۱۳۷ قانون مدنی است؛ در مقابل، برخی نسخ را نپذیرفته و می‌گویند باید میان آن دو ماده جمع نمود: اماره‌ها باقی است و خلاف آن را وزارت نیرو می‌تواند احراز کند. به‌ویژه باقی‌گذارن ماده ۱۳۷ در اصلاحات سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۷۰ توهم نسخ را از بین می‌برد (کاتوزیان، همان: ص ۹۸؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶: ص ۳۲۳).

پرواضح است که جمع اندازه‌های آورده شده در مواد ۱۳۷ و ۱۳۸، که ظاهراً بر مبنای قول مشهور تدوین شده و تکیه بر ضرر دارد، ابتکار قانونگذار را در بهره‌مندی از مزایای هر دو نظریه نشان می‌دهد؛ یعنی او می‌خواهد با توجه به اماره بودن اندازه‌های قانون، حریم را بسازد و با توجه به ایراد ضرر از اماره یاد شده دست بکشد و تا

میزان رفع ضرر، اندازه حریم را افزایش دهد. اما واقعیت خارجی، امروزه این ابتکار قانونگذار را از اهمیت ساقط کرده است؛ زیرا امروزه اماره قانونی ذکر شده با پدید آمدن ابزار و وسایل محاسباتی دقیق، کاربردش بسیار اندک شده است؛ این موضوع اماره بودن آن را زیر سؤال می‌برد، چون اندازه‌های ذکر شده اماره‌ای برای دفع زیان است و در صورتی که در آن فاصله، زیان وارد آید، نقض می‌پذیرد. همچنین، برای اینکه دانسته شود که در فاصله کمتر نیز زیانی نمی‌رسد، به راحتی می‌توان از وسایل و ابزارهای کنونی بهره گرفت.

از طرفی، اطلاق اماره بودن اندازه‌ها خدشه‌پذیر است، زیرا اماره جایی به کار می‌رود که در بیشتر موارد صدق نماید و در مواردی که مبهم است، براساس تسری حکم غالب به آن، تردید مرتفع می‌گردد. امروزه حریم قنات، چشمه و چاه با استفاده از جدیدترین فرمول‌های علمی و با محاسبات دقیق وضعیت منطقه و آمار هیدروژئولوژیک^۲ محل و با لحاظ برخی عوامل دیگر تعیین می‌شود؛ بنابراین، دیگر به اماره مزبور نیازی نیست. از این رو، آثار ناکارآمدی مقررات موجود در قانون مدنی درباره حریم نمایان می‌گردد و باید براساس ضوابط و اصول فقهی این خلأ قانونی مرتفع گردد. بدین صورت که مبنای کمال انتفاع با در نظر گرفتن ملک ذوالحریم و بدون ملاحظه املاک یا مالکان یا حریم دیگران است. با وجود این، مبنای جلوگیری از ضرر در صورتی مطرح می‌گردد که پای حق دیگری به میان آید؛ در این صورت، با توجه به اصول و قواعد کلی حاکم بر تعارض میان «کمال انتفاع و ضرر» یا «دو ضرر» حکم مسئله استنباط می‌شود: با این توضیح که در صورت تعارض میان کمال انتفاع و ضرر، قاعده لاضرر مقدم گردیده و در صورت تعارض میان دو ضرر، براساس قاعده تراحم، ضرر اهم بر مهم یا مهم بر غیرمهم ترجیح داده می‌شود. در نتیجه، از حریم ملکی که موجب ضرر ملک دیگر گردد، جلوگیری می‌شود.



نتیجه‌گیری

استفاده از بیشتر املاک، مستلزم آن است که زمین اطراف آن به ملکیت دیگری در نیاید یا دست‌کم تصرفی در آن نشود که انتفاع از ملک را دشوار یا ناممکن سازد. به آن مقدار زمین، در اصطلاح، «حریم» و حقی را که مالک بر آن دارد، «حق حریم» گویند. هدف اصلی از شناسایی حریم، یا کمال انتفاع مالک از ملک خویش است یا جلوگیری از ورود ضرر به صاحب آن. تأمین هریک از این دو هدف فقط موجب ممنوعیت دیگران از تملک حریم است نه محرومیت کامل آنان از تصرف در آن زمین. از این رو، آنان باید صرفاً از تصرفاتی که مضر محسوب می‌گردد، خودداری نمایند. بر این اساس، تعارض مفاد دو ماده ۱۳۶ و ۱۳۹ قانون مدنی، با توجه به اصول و قواعد کلی حاکم بر تعارض حل می‌شود؛ بدین صورت که در صورت تعارض میان کمال انتفاع و ضرر، قاعده لا ضرر مقدم گردیده و از حریم ملکی که موجب ضرر به ملک دیگر گردد، جلوگیری می‌شود. آن‌گاه که حق حریم مانع از تملک دیگران می‌گردد، شباهت زیادی به حق مالکیت پیدا می‌کند؛ زیرا انتفاع از ملکی را به انحصار در اختیار صاحب حریم قرار می‌دهد، ولی چون، در هر حال، با در نظر گرفتن مالکیت صاحبش و به تبعیت از آن بر ملک دیگری ایجاد می‌شود، باید آن را نوعی حق اختصاص دانست که مالک بر اراضی موات و مباح پیدا می‌کند.

پی‌نوشت:

۱. ماده ۱۳۸: «حریم چشمه و قنات از هر طرف در زمین رخوه ۵۰۰ گز و در زمین سخت ۲۵۰ گز است؛ لیکن اگر مقادیر مذکوره در این ماده و ماده قبل برای جلوگیری از ضرر کافی نباشد، به اندازه‌ای که برای دفع ضرر کافی باشد به آن افزوده می‌شود.»
۲. Hydrogeologic. «آب‌زمین‌شناسی» (انگلیسی: Hydrogeology) شاخه‌ای از دانش زمین‌شناسی است که به مطالعه پراکندگی و حرکت آب‌های زیرزمینی در خاک و سنگ‌های پوسته زمین و به‌ویژه در سفره‌های آب زیرزمینی می‌پردازد. این اصطلاح ترکیبی از واژه‌های hydro به معنای آب و geology به معنای دانش مطالعه زمین است (به نقل از ویکی‌پدیا).

کتابنامه

۱. آل کاشف الغطاء، محمدحسین (۱۹۸۹م)، تحریر المجلة، بیروت، دارالتعاريف.
۲. ابن براج، قاضی عبدالعزيز (۱۴۰۶ق)، المهذب البارع، قم، مؤسسه انتشارات اسلامى.
۳. ابن قدامه، عبدالله بن احمد (۱۴۰۴ق)، المغنى، بیروت، دار إحياء التراث العربى.
۴. ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۳۶۳)، لسان العرب، قم، أدب الحوزة.
۵. امامى، سيدحسین (۱۳۵۷)، حقوق مدنى، تهران، كتاب فروشى اسلاميه، چاپ هفدهم.
۶. تبریزی، شیخ جواد (بی تا)، استفتائات جدید، قم، سرور، چاپ نخست.
۷. جعفرى لنگرودى، محمدجعفر (۱۳۷۸)، دایرة المعارف حقوقى، تهران، کتابخانه گنج دانش.
۸. _____ (۱۳۷۶)، حقوق اموال، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ چهارم.
۹. جوهرى، اسماعیل بن حماد (۱۹۷۴م)، الصحيح فى اللغة والعلوم، بیروت، دارالحضارة العربية.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ نخست.
۱۱. حسینی شیرازی، سید محمد (۱۴۱۰ق)، الفقه، بیروت، دارالعلوم.
۱۲. حسینی عاملی، سید محمد جواد (۱۴۱۸ق)، مفتاح الكرامة فى شرح قواعد العلامة، بیروت، دارالتراث، چاپ نخست.
۱۳. خوانساری، سید احمد (۱۳۶۴)، جامع المدارک فى شرح مختصر النافع، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ دوم.
۱۴. سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۴ق)، مهذب الأحکام، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۵. سبزواری، محمد باقر بن محمد (۱۴۲۳ق)، کفایة الأحکام، قم، دفتر انتشارات اسلامى، چاپ نخست.
۱۶. سیستانی، سید علی (۱۴۱۴ق)، قاعدة لاضرر ولاضرار، بیروت، دارالمورخ العربى، چاپ نخست.
۱۷. سیوطی، جلال الدین (۱۳۱۳)، الأشباه والنظائر، مکه، مطبعة الترقى، چاپ نخست.
۱۸. شهید ثانى (زین الدین بن علی جبعی عاملی) (۱۴۱۴ق)، مسالك الأفهام فى شرح شرائع الإسلام، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة.



۱۹. شیخ طوسی (محمدبن حسن) (۱۳۷۶)، المبسوط، تهران، مكتبة المرتضوية، چاپ نخست.
۲۰. صاحب جواهر (محمدحسن نجفی) (۱۳۶۵)، جواهر الکلام، تهران، دارالکتب الإسلامية، چاپ دوم.
۲۱. صدر، سیدمحمدباقر (۱۹۹۰م)، منهج الصالحین (با تعلیق شهید صدر)، بیروت، انتشارات دارالتعارف، چاپ نخست.
۲۲. طباطبائی، سیدعلی (۱۴۱۲ق)، ریاض المسائل، بیروت، دارالهادی.
۲۳. طریحی، فخرالدین (۱۳۶۷)، مجمع البحرين، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
۲۴. عبده بروجردی، محمد (بی تا)، مجموعه حقوقی، ش ۳۴، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۵. علامه حلی (حسن بن یوسف حلی) (۱۳۷۶)، تحریر الأحکام، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۶. _____ (۱۳۷۲)، تذکرة الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۷. _____ (۱۴۱۶ق)، قواعد الاحکام، قم، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ نخست.
۲۸. _____ (۱۴۱۲ق)، مختلف الشیعة، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ نخست.
۲۹. _____ (۱۳۷۷ق)، تبصرة المتعلمین، تهران، کتاب فروشی اسلامیة.
۳۰. غفاری، محمدامین (۱۳۸۷)، «بازشناسی مبانی حریم در فقه و حقوق»، پایان نامه سطح ۳ حوزه.
۳۱. فاضل مقداد (عبدالله سیوری) (۱۴۰۴ق)، التنقیح الرائع، قم، کتابخانه آیت الله نجفی مرعشی علیه السلام.
۳۲. فاضل هرنندی، محی الدین (بی تا)، حریم در فقه شیعه، دفتر نمایندگی ولی امر در ستاد مرکزی هیئت های هفت نفره، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۳. فخرالمحققین (محمدبن حسن حلی) (۱۳۸۹ق)، ایضاح الفوائد فی شرح القواعد، قم، المطبعة العلمية، چاپ نخست.
۳۴. فیاض، محمداسحاق (۱۴۰۱ق)، الأراضي، قم، دارالکتاب، چاپ نخست.
۳۵. کاتبی، حسین قلی (بی تا)، مجموعه حقوقی، سال پنجم، ش ۳۴، تهران، وزارت دادگستری.
۳۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴)، اموال و مالکیت، تهران، یلدا، چاپ نخست.
۳۷. متین دفتری، احمد (۱۳۶۴)، مجموعه روبة قضایی حقوقی، تهران، چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم.

۳۸. مغنیه، محمدجواد (۱۳۷۰)، فقه الإمام الصادق علیه السلام، قم، قدس، چاپ نخست.

۳۹. ویکی پدیای فارسی، ذیل اصطلاح «آب‌زمین‌شناسی»، قابل دسترسی در:

<<https://fa.wikipedia.org>>



